

کشته شده‌اند اول تیر را در آن شب در آن منزل.

امروز که پنجشنبه ۱۱ رجب است روزنامهٔ جبل‌المتین شمارهٔ پنج منتشر گردید و مقالهٔ نمرهٔ ۳ مجلس را [که] باعث هیجان مردم شده بود مرتفع ساخت و ما در این تاریخ خود مقالهٔ آن را نقل می‌کنیم و هذا صورته :

### توضیح و اوضاحت

در شمارهٔ ۳ جریدهٔ فریدهٔ مجلس را پرت کتبی از قزوین راجع به ورود سالدات روس درج شده بود . بعضی از مستبدین که خفاش صفت از مطلع انواع و تجلیات آفتاب عدالت گریزان و در بیغوله‌های ذلت منزوی شده مستسکی به دست آورده و شاخ و برگ بر آن قرار داده ، قلوب بعضی ساده لوحان را مضطرب نموده و اذهان برخی از صاحبان نفوس ضعیفه را مشوش کرده‌اند .

بدیهی است که خواص قوم و ارباب بصیرت و اطلاع هیچوقت گوش به این ترهات و دسایس نمی‌دهند و به این خزعبلات و وساوس اعتنا و اهمیتی نمی‌گذارند . ولی محض اطمینان عوام و مزید یأس آن وجودان با شرفی که منافع خود را در سایهٔ سلطنت ظالمه دانستند، پردگیان خود را به ورود سالدات روس وعده و امیدواری می‌دهند، بعضی توضیحات لازم می‌داند : هر چند شهوت رانیهای پنجاه سالهٔ ناصرالدین شاه و بیجالی و غفلت مرحوم مظفرالدین شاه و خیانت‌های میرزا علی اسفرخان امین‌السلطان در ادوار ریاست خود ، نفوذ روسها را در دربار سلطنت و عروق مملکت روز به روز به واسطهٔ قروض مشثومهٔ ایران بر باد ده و به وسیلهٔ تبدیل نظام اطیش به ادارهٔ قزاق و تأسیس بانک و تعمیر راه شوسه رشت و هزار امتیاز خانه برانداز دیگر زیاده کرده ، تا بحدی که ایرانیان را بکلی مرعوب روس قرار دادند ، ولی بر هر کس که فی‌الجمله از روابط سیاسیهٔ دول و حقوق بین الملل مطلع باشد واضح و مبرهن است که در موقعی که يك ملتی پس از سالیان دراز اسارت و بندگی پی به حقوق مشروع و وظایف مقدسهٔ ملیه خود برده و برای مقاومت با ظلم و اخذ عدالت قیام و برضد حکومت ظالمهٔ مستبدهٔ خود اقدام نموده ، هیچ دولتی را حق آن نیست که در این موقع باریک خود را حامی ملت یا طرفدار دربار آن مملکت قرارداد و در امور داخلهٔ آنها مداخله نماید خاصه دولت بهیهٔ روسیه که نظر به روابط اتحادی که بین دولتین روس و ایران و مناسبات سیاسی و تجارتی که بین دولتین مزبور از سالیان دراز بر قرار است و با وجود اعلان رسمی که درهٔ موضوع معاهدهٔ دولت مشارالیه با دولت فخریهٔ انگلیس ، راجع به استقلال ایران شده

است ؛ این تصورات ، که به مفاد الفریق یتشبت بکل حشیش ، نتیجه القآت و اثر تشبثات بعضی از پیشرفانی است که عمری را به خیانت گذرانیده و آبادی خود را در ویرانی مملکت و خرابی دستگاه دولت می دانند ، بکلی دور است . چنانچه از تلگراف سفیر ایران مقیم پترزبورغ ، و مراسله رسمیه سفارت بهیه روسیه مقیم دربار ایران به وزارت خارجه بخوبی ظاهر می شود که دولت مشارالیه را درین موقع بهیچ وجه سوء قصدی در باره ایران نبوده و نیست :

از پترزبورغ - ۱۸ ژوئیه

مشارالسلطنه - تلگراف جنابعالی دایر به تغییر سلطنت واصل و فردا رسماً به دولت روسیه اعلام خواهد شد . واقعه اخیر و حسن انجام آن جالب نظر دقت و تحسین دولت و مطبوعات روسیه و خارجه شده ، دیرتر که با وزیر امور خارجه ملاقات کردم خیلی اظهار خوشوقتی کردند . باز رسماً گفتند ما در کارهای ایران ابدأ خیال مداخله و نقطه ای را خیال تصرف نداریم ، همینکه در آذربایجان حاکم جدید نظم داد و امور طهران قوام گرفت قشون خود را کلاً عودت خواهیم داد . مفخّم الدوله

مراسله سفارت روس ۳ رجب ۱۳۲۷

جناب جلالتمآب اجل اکرم دوست مشفق مهربان - مراسله محترمه جناب مستطاب اجل سپهدار اعظم مورخه ۲۸ شهر جمادی الثانیه ۱۳۲۷ مشعر بر خلع محمد علی میرزا و نصب اعلیحضرت اقدس همایون سلطان احمد شاه خلد الله ملکه به سلطنت و شاهنشاهی ایران ، زحمت افزا گردیده خاطر محترم آن جناب جلالتمآب عالی رامستحضر می دارد که : دوستار در مفاد مراسله مزبور ، اولیای دولت قوی شوکت اعلیحضرت امپراطوری را مستحضر داشته ، از قرار جوابی که به دوستدار رسیده اولیای دولت قوی شوکت معظم الیه از این تاریخ اعلیحضرت اقدس سلطان احمد شاه را پادشاه ایران می دانند . در این موقع احترامات فائقه را نسبت به جناب جلالتمآب عالی تجدید می دارد .

اما در مسئله ورود قشون و راپرت قزوین : اولاً در موقعی که به واسطه رویسیون و انقلابات داخلی مملکتی احتمال مخاطره مالی و جانی از برای اتباع خارجه و سفارتخانه ها متصور شود ، دول مجاوره می تواند پس از مذاکره با دولت متوقف فیها عده ای قشون برای حفظ اتباع و سفارتخانه خود موقتاً وارد کند . چنانچه در دو ماه قبل که اردوهای سلانیک و ملت عثمانی به واسطه مخالفتی و سوء قصدی که از سلطان عبدالحمید ثانی سلطان سابق خود نسبت به اساس رفیع مشروطیت دیده و برکنستاتینول (قسطنطنیه) حمله کردند ، کشتی های

جنگی دول خارجه هم به همین عنوان و دستاویز (حفظ تبعه و سفارتخانه‌ها) تا نزدیک اسلامبول و بغاز داردانل آمده، پس از آنکه انقلاب مملکت عثمانی به عزل سلطان عبدالحمید و نصب اعلیحضرت سلطان محمد خامس تسکین یافت، فوراً کشتی‌های مزبور معاودت کردند. دولت روسیه هم به ملاحظه نزدیکی حدود برای حفظ تبعه سفارتخانه خود و اتباع و غیره و سفارتخانه‌های سایر دول، بنا بر مذاکرات با دولت فخریه انگلیس و یادداشتی که به وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها و به اردوهای ملی فرستاده، عده قشونی مرکب از یک رژیمان قزاق و پیاده نظام و یک باطری توپخانه به سرحد ایران فرستاده و حدود مأموریت آنها را تا قزوین معین کرده و رسماً اعلان شده است که بهیچوجه خیال مداخله در امور داخلی ایران ندارند و از ورود این قشون جز حفظ سفارتخانه‌ها و اتباع خارجه مقصودی نیست. این بود که دستجات مزبور وارد سرحد شد، قزاق، آنهاکه سواره بوده قبلاً وارد قزوین شده و عده پیاده نظام که قبل از رفع انقلابات و تصفیه امور طهران از رشت حرکت کرده بودند در اوائل رجب به قزوین رسیده‌اند. و بدیهی است که عنقریب از انتظام امور و حفظ امنیت اتباع خارجه در ایران مطمئن شده، قشون خود را به روسیه معاودت خواهند داد. چنانچه مفاد لایحه‌ای که از وزارت خارجه به سفارتخانه‌ها ارسال شده و مراسله رسمیه سفارت دولت فخریه آلمان عدم لزوم قشون مزبور را بخوبی ظاهر می‌کنند.

#### صورت لایحه سفارت آلمان

جناب جلالتمآب اجل اکرم دوستان استظهاری مکرم ههربان۔ مراسله محترم مورخه ۲۸ جمادی الاخری ۱۳۲۷ که از طرف مجلس فوق‌الماده کبرای ملی تجهیز و ترسیل شده بود و اصل انامل احترام گردید. دوستدار حسب‌الوظیفه ازمندرجات آن، دولت متبوعه خود را فوراً قرین استحضار داشت. در این موقع انقلاب و آشوب، رؤسای ملت از رعایت دهر گونه تدابیر سیاسی و مجازات عاقلانه فروگذاری نکرده‌اند و بدون شبهه همین ملاحظات سبب و اسباب شد که در مدت قلیلی خوشبختانه با سعادت لازم اغتشاشات کلی مرتفع شد. دوستدار مخصوصاً نیز مصدق این معنی است که در چنین موقع سخت و صعب، رؤساء و سرکردگان ملت بطوری که صرفه و منافع این طرف هم منظور بوده است مقتضیات حفظ جان و مال اتباع آلمانی را رعایت کرده‌اند. و بدیهی است همینکه تصدیق‌نامه وضع جدید از طرف دولت متبوعه امپراطوری واصل گردید دوستدار شخصاً و شرفاً برای تبریکات مقتضیه جلوس ابد مآنوس به شرف حضور اعلیحضرت اقدس همایون سلطان احمد شاه دام سلطنته شرف‌اندوز خواهد گردید. در این موقع احترامات

فائمه را تجدید می نماید .

روز جمعه ۱۲ رجب ۱۳۳۷ - دیروز روزنامه مجلس صورت ورقه تعرفه را درج نموده است، لذا ما هم در این تاریخ خود نقل می کنیم :

( تعرفه انتخاب )

نمره ....	تاریخ ....
دارنده تعرفه ....	پسر ....
شغل ....	منزل در کوجه ....
محل دادن رأی ...	روز دادن رأی ....
ساعت افتتاح مجلس انتخاب ....	ساعت اختتام آن ....
عده منتخبینی که دارنده این تعرفه باید معین نمایند .	

محل مهربا امضای انجمن نظارت

( اخطارات لازمه قانونی )

- ۱- هر يك از انتخاب کنندگان زیاده بريك مرتبه حق رأی دادن ندارند، مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.
- ۲ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند .
- ۳- پس از انقضاء موعدهی که انجمن نظارت برای اخذ رأی معین کرده است ، دیگر ورقه رأی از کسی قبول نخواهد شد .
- ۴ - دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول مجلس انتخاب ، به عده ای که در این نمره معین شده است اسامی روی کاغذ سفید نوشته ، اوله کرده با خود داشته باشد .
- ۵ - صاحبان تعرفه به احتیاط مواردی که تجدید انتخاب لازم شود باید تعرفه باطله خودشان را محفوظ بدارند .
- ۶ - اوراق رأی اگر خوانا نباشد ، یا صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکرده باشد ، یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد ، یا بیش از يك ورق باشد باطل خواهد بود .
- ۷ - دخول در محوطه انتخاب با داشتن اسلحه اکیداً ممنوع است .

سواد تلگراف آیات الله فی الانام

از قصر به طهران ۱۲ رجب خدمت آقایان حجج الاسلام و تجار واعیان و رؤسای عشایر و عموم اهالی ایران سلمه الله تعالی - چون بحمد الله ماده فساد قلع و مقاصد مشارع ملت حاصل ، به عموم لازم و واجب است که ممالک را از هرج و

مرج امن و منظم ، نگذارید مفسدین اخلال آسایش نمایند که اسباب تشبث و دخل اجانب گردد ، و در کلیه امور مصالح ممالک که رجوع به دولت است امتناع نمایند ان شاه الله . (محمد کاظم خراسانی) (عبدالله مازندرانی)

تلگراف ذیل به تاریخ دهم رجب به توسط جناب ملا احمد یزدی که از طرف حضرات حجج الاسلام برای مخابره با اولیای امور به قصر آمده است رسیده است :

### تلگراف

به تاریخ نهم تموز ، یزدی تلگراف ذیل را عیناً مخابره کنند به طهران :

جنابان مستطابان سپهدار اعظم و سردار اسعد دام اقبالهما . خلع محمد علی میرزا به جهت خیانت‌های عظیمه او به دین و دولت و ملت شرعاً و قانوناً لازم ، جلوس اعلی حضرت سلطان احمد شاه ادام الله تعالی سلطانه را به سلطنت ، با نیابت حضرت اشرف عضد الملک دامت شوکتہ تبریک معروض می داریم .

(عبدالله مازندرانی) (محمد کاظم خراسانی)

### از کربلا به طهران

توسط ثقة الاسلام آقا سید محمد امام - سرداران عظام مراقبت امنیت عموم غارت به بهانه اجانب واجب ، اطلاعات فوری .

(محمد کاظم خراسانی) (عبدالله مازندرانی)

از طهران به کربلا

حضور آیت الله خراسانی و سایر حجج - امورات داخله اصلاح ، امید در اعاده اجانب حاصل ، حرکت آقایان عجاله غیر لازم ، حکم حجج در رجعت صولة الدوله از شیراز واجب است . (مرتضی) (صدرالعلماء)

روز شنبه ۱۳ رجب ۱۳۲۷ - دیشب آتش بازی مفصلی بود . اعلی حضرت شاهنشاه هم در تماشای آتش بازی حاضر بودند .

امروز استنطاق حاج شیخ فضل الله تمام شد و بعضی اقرارات نموده که ما پس از تحصیل صورت استنطاق اقرارات او را می نویسیم ان شاء الله .

طرف عصر یک ساعت به غروب مانده ، شیخ فضل الله را از بالای عمارت توپخانه پائین آورده و با نهایت احترام و وقار او را به طرف دار آوردند . از قرار مذکور عده ای از تجار محترم آنجا بودند ، روبه آنها کرد و گفت : ما رفتیم خدا حافظ . همگی جواب دادند : به درك اسفل . نزدیک داریک نفر از مجاهدین عمامة او را از سرش برداشته ، طناب دار را انداختند به گردن او دست خود را آورد و طناب را به دودست گرفت ، چون احتمال دادند شاید بخواد حرافی بزند طناب را سست کردند . همین قدر گفت : چه خوب و چه بد رفتم . فوراً طناب را کشیدند بالا . چند دقیقه دست و پا را حرکت داده ، جان به جان آفرین تسلیم نمود و عالمی را

آسوده کرد. در این میدان توپخانه که مملو بود از تماشاچیان احدی به حالت اوتسرحم نکرده همه از او بد می گفتند. این نبود مگر جزای اعمالش. یکی می گفت فلان حکم را درباره من کرد، فلان قدر پول را گرفت. دیگری می گفت برادر مرا به کشتن داد. دیگری می گفت پسر مرا تلف کرد. باری همه مردم در فرح و سرور و از کشتن او اظهار مسرت و خوشحالی می کردند. اول شب نفس او را پائین آورده، تسلیم ورته و نمودند احدی متعرض لباس وردای او نشد فقط عمامه او را که قیمتی هم نداشت از سرش برداشتند.

\*\*\*

امروز شیخ فضل الله را بردند به اطاق خورشید. او را در محل استنطاق نشانیده، ابتدا از او پرسیدند شما که در اول امر مشروطه خواه بودید، حکم به وجوب مشروطیت دادید، به قم مهاجرت نمودید، چرا از قول و حکم خود نکول کردید؟ حاج شیخ فضل الله جواب داد من از اول تا کنون مشروطه خواه بوده می باشم، همه وقت متابعت جناب آخوند ملاکظم را نموده. در جواب او گفتند پس چرا بعد نوشتید مشروطه حرام است؟ شیخ منکر شده که من هرگز چنین چیزی ننوشته ام. نوشته شیخ را که ما سابقاً درج نمودیم به او ارائه دادند که در آن نوشته بود ما مشروطه نمی خواهیم و مشروطه مخالفت با قوانین اسلام دارد. شیخ گفت دیگران این نوشته را مهر کردند، منم از ترس شاه مهر کردم. به او مدلل نمودند که خود او باعث و مؤسس [و] اصل اصیل در باب آن نوشته بوده است. بعد از آن آقا شیخ ابراهیم زنجانی ورقه الزامیه ای را که از پیش حاضر کرده بود، از بغل در آورده بر او قرائت نمود و در مدت قرائت آن نوشته، شیخ ساکت و سرش را روی عصای خود گذارده گوش می داد و صورت آن از این قرار است:

#### ورقه الزامیه

که شیخ ابراهیم زنجانی در حضور شیخ فضل الله قرائت نموده

وقتی که شدت ظلم وجود مقتدرین و عالم نمایان و احکام ناسخ و منسوخ و ناحق ایشان و تعطیل احکام اسلام و هرج و مرج امور خاص و عام در ایران به نهایت اشتداد رسید، عموم خلق علاج را منحصر به مشروطیت دولت دیدند که اساس آن این است که تصرفات امراء و عالم نمایان و پادشاه در نفوس و اعراض و اموال خلائق بطور دلخواه مطابق نبوده، حدی در تصرف پادشاه و حکام و دیگران بوده و احکام چنانچه در اسلام مقرر است در حق همه جاری شود، نه اینکه هر گاه از مقتدرین مرتکب هر فساد شود منعی نباشد... کرده، صد مقابل مجازات ببینند و جمعی همیشه با کمال راحت و معبودیت دست رنج دیگران را جبراً گرفته... رسانیده، ایشان را در زحمت و ذلت نگاه دارند. و جمعی از اعتلا از طرف مردم جمع

شده ، مشاوره در اصلاح امور مملکت و معیشت و حفظ آب و خاک و رفع تعدی متعدین نموده نگران باشند که آنچه مردم به عنوان مالیه برای حفظ امنیت می دهند به مصرف عیاشی غارتگران نرود . مرحوم مظفرالدین شاه و بعد از او همین محمدعلی میرزای مخلوع این استدعاء ملت را قبول کرده ، قانون و عهد نامه اساسی را امضاء کردند و جناب عالی هم با چند نفر از معروفین علماء در استحکام این اساس دخالت داشته ، زیاده از هشت ماه اغلب خودت حاضر مجلس شوری بوده و به استحضار شما و جمعی از دیگران مواد قانون اساسی نوشته و تصحیح شد . چه شد که به ناگهان شق عصای امت کرده ، القاء خلاف میان مردم نموده ، علم مخالفت بلند کرده ، جمعی از اشرار را به دور خود جمع نموده ، ماده اصل مقصده عظیم و علت اولی خونریزی پنجاه هزار نفوس ایرانی بی گناه و هتک اعراض و رعب قلوب و سلب بیشتر اصدک و رراموال و تخریب آبادیها گردیدی ؟ اگر این عنوان حرام بود چرا خود هشت ماه در استحکام آن کوشیدی ؟ اگر حلال و واجب بود چرا به آن شدت مخالفت نمودی و مردم را به ضدیت یکدیگر دعوت فرمودی ؟ چرا بعد از اینکه اظهار مخالفت کردی مکرر به تو نصایح کردند یک شب بنده خودم هم بودم در خانه آقا میرزا سید محمد ، آقا سید عبدالله هم بود ، بیست و پنج نفر از معتبرین و کلا حاضر بودند ، قسم غلیظ شدید با احضار کلام الله مجید یاد کردی که خیانت به ملت نکرده همیشه موافقت با مشروطیت دولت نمائی ، مجدداً بعد از چند روز قسم را شکسته ندای فساد دادی و چادر مخالفت زدی . باز مجدداً جماعتی رفته و آمده ، گفתי خلاف من در سر همان یک ماده ۱ قانون اساسی است . باز جمعی همان ماده را برداشته در خانه خودت آورده ، بنده هم بودم با قریب بیست نفر از وکلاء مدلل کردیم که همان ماده باید همان طور که هست نوشته شود . مجدداً قانع شده باز فرآن حاضر کرده ، قسم مؤکد یاد کردی که دیگر ابدأ مخالفت نکنی و فردا به مجلس بیایی . بناگاه قسم و عهد را شکسته به حضرت عبدالعظیم رفتی . در حضرت عبدالعظیم کتباً و نظماً چه افتراء نمانده که به و کلاه نزدی و چه افساد ماند که نکردی . به چه دلیل و کلاه را بایی و دهری خواندی ؟ آیا تصور نکردی که در قانون انتخابات به عموم اهل ایران دستور العمل داده شده که هر کس را متدین و امین دانند انتخاب کنند ؟ آیا همه مردم بایی بودند که بایی انتخاب کردند یا سایرین غیر بایی بودند در میان خود امین تر از بایی نیافتند ؟ یا اینکه خاصیت دیوارهای بهارستان بوده که کسانی که...

اضافات و ملحقات

تاریخ بیداری ایرانیان